

نظام سیاسی مطلوب و نامطلوب در قرآن بر اساس تفسیر سید ابوالفضل زنجانی (۱۲۷۹-۱۳۷۱ش)

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۱۰

تاریخ تأیید: ۹۵/۳/۱۱

یوسف خان محمدی*

در مقاله حاضر، شاخصه‌های نظام سیاسی مطلوب و نامطلوب در قرآن کریم با تأکید بر تفسیرهای سید ابوالفضل زنجانی مورد تأمل قرار گرفته است. شوراگرایی، آزادی، آگاهی، عدالت، حفظ حقوق بشر و قانونگرایی از ویژگی‌های نظام سیاسی مطلوب قرآن است و عدم امکان نقد و انتقاد، ظاهرگرایی، بی‌مبالانی در هزینه بیت المال، اطاعت بدون آگاهی، اتهام زدن به مخالفان سیاسی و ایجاد تفرقه در بین مردم از شاخصه‌های نظام نامطلوب سیاسی محسوب می‌شود. در این پژوهش از روش تاریخ فکری استفاده شده است. از نظر زنجانی نظام سیاسی مطلوب قرآن با محتوای شورایی، در جامعه امروزی در ساختار نظام سیاسی پارلمانتاریسم قابل تحقق است.

کلیدواژگان: نظام سیاسی مطلوب تفسیر قرآن، شوراگرایی، حقوق بشر، آگاهی، آزادی، قانون‌گرایی.

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مفید.

درآمد

تفسیر سیاسی قرآن پدیده جدیدی است که برای اصلاح جامعه، بعد از ناکارآمدی مدل‌های مختلف اصلاح در جامعه ایران، اعم از اصلاحات نظامی (عباس میرزا)، آموزشی (دارالفنون)، سیاسی (انقلاب مشروطه) و نوسازی (رضاخان)، در ایران جدید ظهور یافت. یکی از شخصیت‌های مطرح و به نوعی الهام‌بخش در عرصه تفسیر سیاسی قرآن سید ابوالفضل زنجانی است. ایشان تحت تأثیر استاد خویش، علامه نائینی و شرایط نابسامان اجتماعی، دغدغه اصلاح جهان اسلام، به ویژه ایران را دنبال می‌کرد. او برخلاف استادش برای اصلاح جامعه از دستگاه فقه سیاسی استفاده نکرد و به تفسیرهای سیاسی و اجتماعی از قرآن پرداخت.

سید ابوالفضل موسوی زنجانی در خانواده علم و اجتهاد، در سال ۱۲۷۹ شمسی پا به عرصه وجود گذاشت. پدر ایشان، سید محمد موسوی، عالم بزرگ مشروطه‌خواه، تحصیل کرده نجف و از شاگردان آخوند خراسانی و ملا عبدالله مازندرانی بود. بعد از مراجعت به زنجان، بیت ایشان مرکز و ملجاء مردم در امور دینی و اجتماعی بود. در انقلاب مشروطه علاوه بر رهبری انقلابیون در منطقه زنجان، به رهبران مشروطه کمک مالی هم می‌کرد؛ چون سید محمد موسوی علاوه بر مقام علمی جزو ملاکین مطرح زنجان نیز بودند (موسوی زنجانی، ۱۳۱۶، ص ۳۶، ۳۸، ۴۱ و ۴۳).

سید ابوالفضل مقدمات و سطوح دروس حوزوی را در حوزه پدرش در زنجان طی کرد و برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و از خواص شاگردان علامه نائینی و شیخ محمد اصفهانی شد (مهرنامه، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲؛ رک: خان‌محمدی، ۱۳۹۳). او موفق به اخذ درجه اجتهاد از دو استاد خویش گردید (زنجانی، ۱۳۸۰، ص ۱۷). موقعیت خانوادگی و همراه شدن با علامه نائینی، سید ابوالفضل را در مسیر نواندیشی دینی قرار داد. وی برای تأثیرگذاری بیشتر در جامعه به تأملات اجتماعی و سیاسی در قرآن معروف شد.

آثار و مقالات زنجانی پاسخ به یک معضل فکری و یا عملی در جامعه ایران و جهان اسلام بوده است؛ یعنی بین تفسیرهای ایشان از قرآن با نیازهای سیاسی و اجتماعی همیشه رابطه تعاملی وجود داشته است (موسوی زنجانی، ۱۳۱۶). او برای بازسازی اخلاق جامعه، مقاله «گوشه‌هایی از اخلاق محمدی ﷺ» را نوشت که علاوه بر برانگیختن تحسین شهید مطهری، توسط رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران روخوانی شد (نرم/فزار سیمای ولایت، ۱۳۷۹). ایشان مقاله «نظام اجتماعی اسلام» را در تصویر جامعه



مطلوب سیاسی اسلام و قرآن برای الگوسازی جامعه امروزی خلق کرد. زمانی که توسعه و نوسازی در عصر پهلوی همراه با محدودیت‌های سیاسی و مذهبی پی‌گیری می‌شد، ایشان مقاله «آزادی در نظر اسلام» را به نگارش درآورد و توسعه منهای آزادی را امری غیرممکن و غیرعقلانی دانست (موسوی زنجانی، ۱۳۹۴، ص ۸۱).

زنجانی در نیمه دوم قرن بیستم، وقتی «بیانیه حقوق بشر» در جهان سیطره یافت، برای کارآمد و پویا نشان دادن اسلام «جمعیت ایرانی دفاع از آزادی حقوق بشر» را تأسیس کرد و در مقاله «کلیات حقوق بشر در قرآن و سنت نبوی ﷺ» و مقاله «آزادی و حقوق بشر» عدم مغایرت حقوق بشر با قرآن را به بررسی نشست. او برای اولین بار با توانمندی تمام و با استناد به قرآن، ۲۳ اصل از کلیات حقوق بشر را با قرآن هماهنگ دانست (همان، ص ۶۲).

زنجانی در اوضاع آشفته جهان اسلام، وقتی موعودگرایان سیاسی طرح حکومت آخرالزمان را مطرح می‌کردند، برای جلوگیری از پوپولیست‌های عوام‌فریب، مقاله «موعود جهانی» را نوشت. او در این مقاله با استناد به منابع و مأخذ معتبر، موعودگرایی را در دین مسیحیت، یهودیت، هندو و اسلام (اهل سنت و شیعه) به صورت مقایسه‌ای به تأمل نشست و دیدگاه و ادبیات فاخری در این عرصه تولید کرد (همان، ص ۲۰۷). او در مقاله دیگری با توجه به مقتضیات زمان و مسائل نوپیدا، همراه با علامه طباطبائی و سید محمود طالقانی و مرتضی مطهری به بازنگری در نهاد مرجعیت همت گماشت و با مقاله «شرایط و وظایف مرجع» از لزوم توجه ویژه به فقه اجتماعی و سیاسی سخن گفت (رک: طباطبائی، ۱۳۴۱).

زنجانی علاوه بر عرصه نظریه‌پردازی، در میدان عمل نیز حضور مؤثری داشت. در زمان ملی شدن صنعت نفت همراه برادر مجتهدش، آیت الله سید رضا موسوی زنجانی، به حمایت از ملی شدن نفت پرداخت و در زمان گرفتاری آیت الله کاشانی برای جلوگیری از تعقیب و حبس ایشان از آیت الله العظمی بروجردی در خواست کمک کرد. مرحوم بروجردی در پاسخ زنجانی نوشت:

درموضوع جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی شرحی مرقوم فرموده بودید، اقدام شده، امیدوارم منتج باشد. مستدعی است در مواقع توجه، حقیر را مشمول ادعیه خیریه خودتان قرار دهید (موسوی زنجانی، ۱۳۸۶، ص ۴۶).

زنجانی توجهی ویژه به مسئله فلسطین داشت و برای کمک به آوارگان فلسطینی،



حسابی را در بانک‌های ایران همراه با علامه طباطبایی و شهید مطهری دایر کرده بود که با مخالفت ساواک مواجه شد.

زنجانی برای جبران خلأهای فکری و مذهبی در عصر پهلوی و ارائه مسیری نو در جامعه ایران، در تأسیس و تداوم حسینیه ارشاد با مؤسسان آن، به ویژه شهید مطهری و علی شریعتی، همکاری جدی داشت. علاوه بر حسینیه ارشاد که محل نواندیشی دینی بود، مسجد هدایت نیز یکی دیگر از کانون‌های مهم و تأثیرگذار بازفهمی دین و ارائه تفسیرهای جدید از قرآن بنا بر نیازهای جامعه ایران بود. به تعبیر علی شریعتی این مسجد مانند مناره‌ای در کویر می‌درخشید. پس از زندانی شدن سید محمود طالقانی، اداره این محفل به سید ابوالفضل زنجانی واگذار شد. از دیگر کانون‌های نواندیشی دینی، مسجد الجواد علیه السلام تهران بود که توسط زنجانی تأسیس و اداره می‌شد. این مسجد سرانجام توسط ایشان به شهید مطهری واگذار شد (رک: مطهری، ۱۳۸۵/الف). مرحوم زنجانی در فقه و اصول قوی و در تفسیر صاحب‌نظر بود. در درس تفسیر ایشان علاوه بر طلاب، معلمان و سایر اقشار و روشنفکران جامع نیز شرکت می‌کردند (شیرازی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۶۹۵). شهید مطهری درباره ایشان می‌گوید:

آیت الله سید ابوالفضل موسوی زنجانی، ایشان هم مرد بسیار جلیل‌القدر و مجهول‌القدری است. مجتهدی مسلم‌العداله و عادل‌المسلم الاجتهاد است (مطهری، ۱۳۸۵/ب، ج ۲۵، ص ۴۳۰).

زنجانی در اوایل انقلاب از طرف امام خمینی به عضویت در شورای انقلاب دعوت شد. این دعوت توسط آیت الله اردبیلی صورت گرفت؛ اما زنجانی که به فعالیت فرهنگی اهمیت زیادی می‌داد، از پذیرش آن خودداری کرد (رک: خان‌محمدی، ۱۳۹۳/الف).

با توجه به سابقه علمی و عملی زنجانی و نیز جست‌وجوی راه‌حل معضلات جامعه اسلامی از درون قرآن، مقاله حاضر در صدد پاسخ به این سؤال است که «ماهیت نظام سیاسی مطلوب و نامطلوب قرآن در تفسیر سید ابوالفضل موسوی زنجانی چیست؟».

شوراگرایی، آزادی، آگاهی، عدالت اجتماعی، مساوات در برابر قانون و رعایت حقوق بشر از شاخصه‌های اساسی جامعه مطلوب سیاسی قرآن و برخورد تحقیر آمیز با مردم، عدم امکان نقد و انتقاد در جامعه، نگاه تقدس‌آمیز به حاکمیت، تظاهر به دینداری، اخلاک‌گر سیاسی - اجتماعی دانستن منتقدان و بی‌مبالاتی در هزینه بیت‌المال از ویژگی‌های جامعه نامطلوب سیاسی قرآن است.

منظور از تفسیر سیاسی قرآن این است که این تفسیر معطوف به سیاست و اصلاح اجتماعی است و تلاش می‌کند جامعه مطلوب و نامطلوب سیاسی از نگره قرآن را ترسیم کند و افق جدیدی برای به زیستن عقلانی در جامعه امروز ارائه دهد. اهمیت این رویکرد تفسیری آن است که ما را به سوی شیوه‌ای جدید در حکومتداری، تعاملات اجتماعی، روابط بین‌المللی و روابط فرد، جامعه و خداوند رهنمون می‌کند.

۱. روش‌شناسی زنجانی

زنجانی برای ارائه تفسیر سیاسی از قرآن، روش جدیدی ارائه کرده است که این جریان تفسیری را با گذشتگان متفاوت می‌کند. در ادامه به اجمال به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

مطالعه تاریخ با روش‌های جدید، رویکردی جدید برای بازفهم حکومت پیامبر ﷺ و خلفای راشدین است. این رویکرد توسط نواندیشان دینی، از جمله زنجانی، به کار گرفته شده است. این رویکرد افق جدیدی را برای مفسران سیاسی - اجتماعی قرآن فراهم می‌آورد تا بتوانند نظام سیاسی مطلوب اسلام را بازشناسند و آن را در جامعه امروزی بازسازی کنند. همچنین توجه به عرف زمانه در امور سیاسی - اجتماعی زمینه‌ساز نگاه عقلانی به معضلات و مشکلات امروزی جامعه را فراهم و به متفکر کمک می‌کند بتواند به راه‌حل‌های معتدل و قابل‌تحقق در جامعه امروزی بر اساس مبانی قرآنی دست یابد. از ویژگی‌های تفسیری زنجانی، تفسیر قرآن به قرآن بود.

همین روش «تفسیر قرآن به قرآن» را که علامه طباطبایی بعدها در المیزان استفاده کرد، سال‌ها قبل از اینکه علامه به قم بیاید و تفسیر را شروع کند، حاج میرزا ابوالفضل در زنگان از همین روش استفاده می‌کردند و می‌گفتند باید قرآن را با استفاده از آیات دیگر قرآن تفسیر کرد (مهرنامه، ۱۳۹۳، ص ۹۳).

زنجانی در تفسیرهای خویش از قرآن توجه جدی به نیازهای جامعه داشت. نگاهی اجمالی به مقالات و سخنرانی‌های او نشان می‌دهد که همه آثارش در صدد تبیین و تحلیل یکی از مسائل اساسی جامعه بوده است؛ از جمله مقاله «نظام اجتماعی در اسلام» در راستای ارائه جامعه مطلوب سیاسی قرآنی است که هم نظام حاکم موجود پهلوی را نفی و هم انسان مسلمان را برای رسیدن به جامعه مطلوب راهبری می‌کند. چنین نگاهی به اجتماع و ایجاد ارتباط بین آموزه‌های قرآن و جامعه از ویژگی‌های مهم نواندیشی دینی است.

۱۱ در روش‌شناسی زنجانی عقل و بنای عقلا و توجه به عرف زمانه جایگاه ویژه‌ای دارد.

این شاخص، نواندیشان دینی را از متحجران متمایز و جدا می‌سازد. این رویکرد به اندیشمند اجازه می‌دهد با تمام فرآورده‌های بشری به صورت فعال برخورد کند و هر عنصر مثبتی را اخذ کند و عناصر غیرمطلوب و غیرعقلانی را کنار نهاده، مسئله‌محور به تفسیر قرآن بپردازد. همچنین این رویکرد زمینه تعامل با سایر مذاهب و ادیان را ممکن می‌سازد و وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه و نظام بین‌الملل را به ارمغان می‌آورد (خان محمدی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۶).

۲. نظام سیاسی مطلوب

یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در دهه‌های بیست تا اوایل دهه شصت در ایران بحث ترسیم نظام سیاسی مطلوب با استناد به اسلام و آموزه‌های دینی بود؛ لذا مدل‌های مختلف حکومت اسلامی پیشنهاد شد، از جمله حکومت اسلامی، حکومت دموکراتیک اسلامی، حفظ مدل حکومت مشروطه با حذف و تغییر اصول مربوط به نهاد سلطنت و مدل جمهوری اسلامی. زنجانی ابتدا به اصلاح قانون اساسی مشروطه، یعنی حذف اصول مربوط به نهاد سلطنت، نظر داشت (موسوی زنجانی، ۱۳۱۶، ص ۳۲۶)؛ اما با گذشت زمان، نظام سیاسی مطلوبش را در نظام شورایی یافت. اکثر قرآن‌گرایان، از جمله سید محمود طالقانی، سید محمدحسین بهشتی و سید ابوالفضل زنجانی، به حکومت شورایی اعتقاد داشتند؛ اما تفاوت زنجانی با آنها این بود که ایشان بیش از یک دهه بعد از طالقانی و بهشتی زنده بود و نظاره‌گر تحولات بعد از انقلاب و تجربه حکومت اسلامی نیز بود. او سرانجام در تطبیق نظام شورایی در جامعه امروز، به مدل حکومتی پارلمانی در مقابل مدل ریاستی نائل گشت.

بنا بر قاعده تکافل اجتماعی و مسئولیت مشترک و اینکه همه نیروهای ناشی از اجتماع متعلق به اجتماع‌اند و همه افراد در سرنوشت جامعه سهیم هستند، آراء و افکار عقلا و دانشمندان قوم نیز که از نیروهای معنوی اجتماع‌اند، باید در جهت مصلحت جامعه به کار بیفتند. همین معنی خود منشأ ثبوت حق اظهار عقیده برای همه صاحب‌نظران است و باید به آنها فرصت داده شود تا آزادانه در مصالح عمومی، افکار خودشان را در معرض شور قرار بدهند. نظام صالح از نظر اسلام همان است که تصمیمات آن متکی به مشورت باشد؛ چنان که قرآن مجید می‌فرماید: «کار مسلمانان به مشورت همدیگر صورت می‌گیرد» (شوری: ۳۸). همچنین قرآن به منظور تأسیس اصل شورا در اسلام، به شخص حضرت رسول اکرم ﷺ که عقل راجح او فوق مقایسه با عقول بشر است، دستور داده که این اصل



را به کار ببندد؛ «در امر کشورداری با آنها مشورت کن و هرگاه تصمیم به کاری گرفتی، با توکل به خدا بدان اقدام نما» (آل عمران: ۱۵۹).

از نظر زنجانی فقط دو موضوع از حدود مشورت خارج و مستثنا است و احدی حق اظهار نظر در آنها را ندارد؛ اول) باب عبادات و تعبدیات که عقل را در آن راهی نیست و نمی‌شود در آن دخل و تصرف کرد. دوم) آن قسمت از امور غیرعبادتی که به موجب نص صریح کتاب و سنت، حکم آن معین شده است؛ «به هیچ زن [مؤمنه] و مرد [مؤمن] نمی‌رسد که در مقابل فرمان خدا و رسول او راهی دیگر پیش بگیرند» (حزاب: ۳۶). به استثنای دو حوزه فوق، بقیه امور جامعه، اعم از سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، باید بر اساس تضارب عقلائی و آرای عمومی به سرانجام برسد.

در دیدگاه زنجانی، باقی امور و شئون زندگانی، به ویژه آن قسمت که با تحولات زمان و تطور فکر بشر تغییر می‌کند، حق اظهار نظر برای عقلا محفوظ است تا با بحث و مشورت، رأی صالح و یا اصلح مشخص و اجرا شود. به عقیده زنجانی در حوادث متجدده، موضوعی که نتوان در تشخیص حکم آن از مبانی اسلام الهام گرفت، بسیار کم است؛ چراکه علاوه بر عمومات کتاب و سنت، قواعد کلیه مانند قاعده رفع حرج، نفی ضرر، دفع مفسده، جلب مصلحت، سدّ ذریعه، تقدیم اهم و دفع افسد - با توجه بدین نکته که در بیشتر احکام به فلسفه و هدف قانون تصریح و یا اشاره شده است - بهترین راهنمای استنباط حکم مسائل روز است (موسوی زنجانی، ۱۳۱۶، ص ۲۰۵).

زنجانی در نظریه شورایی خویش به این نتیجه می‌رسد که در اسلام حکومت متعلق به افراد کاردان و توانمند است و به طبقه خاصی تعلق ندارد. اسلام به منظور صیانت حریم حریت (آزادی)، عصیبت‌های نژادی و قبیله‌ای را در هم شکست، جاه و ثروت را بی‌اعتبار ساخت، اشغال مقام و منصب را از عنوان توارث و انحصار افراد و طبقات خاص خارج نمود و در منطقه صلاحیت و درایت و استعداد افراد قرار داد (همان، ص ۱۸۰)؛ «خدا طالوت را به زمامداری شما برگزیده است و او را به دانش و نیرومندی ممتاز ساخته است» (بقره: ۲۴۷).

خداوند ملاک ریاست را علم و شجاعت معرفی می‌کند و شرط تصدی را امانت و کفایت می‌شمرد، تا برای همه فرصت پیشرفت و تحقق استعداد فراهم شود؛ «بهترین



کارپردازان کسی است که از عهده آن به خوبی برآید و در عین حال امین بوده باشد» (قصص: ۲۶).

نظام سیاسی بر اساس شورا یک نظریه مبتنی بر قرآن و سنت رسول الله ﷺ است. بنابراین نظریه شورا دارای مفاهیم کلیدی است که ارکان نظریه محسوب می‌شوند. در ادامه مقاله به برخی از مفاهیم کلیدی نظریه شورا اشاره می‌شود.

۱-۲. آگاهی و شورا

آگاه شدن مردم از موقعیت و وضعیت جامعه خود در عرصه جهانی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار و مقدم بر هرگونه اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. تا وقتی انسان به مریض بودن خود آگاه نباشد، به فکر پزشک و درمان نمی‌افتد؛ به همین دلیل بود که مصلحان بزرگ در جهان اسلام برای بیدار کردن مردم از رسانه‌های جمعی، از جمله روزنامه و مجلات، استفاده می‌کردند. سید جمال و محمد عبده روزنامه *عروة الوثقی* را منتشر می‌کردند. عبده بعد از جدایی از سید جمال، *مجله المنار* را طراحی کرد. حتی درس تفسیر قرآن او از طریق این مجله در اختیار مردم قرار می‌گرفت و سرانجام این تفسیر گران‌سنگ به *تفسیر المنار* معروف شد.

علامه نائینی نیز عنوان کتاب خود را *تنبیه الامه یعنی «آگاه کردن مردم»* انتخاب کرد. انتشار *مجله مکتب الاسلام* و *مکتب تشیع* در حوزه علمیه قم در این راستا قابل تفسیر است. طالقانی، زنجانی، مطهری، بهشتی، مکارم، سبحانی، اردبیلی، دوانی و هاشمی رفسنجانی از معروف‌ترین نویسندگان این مجلات بودند. برخی حکومت‌ها که نگران آگاه شدن مردم از واقعیت‌ها هستند، رسانه‌ها را کنترل و سانسور می‌کنند و حتی از رسانه، برخلاف فلسفه وجودی آن، برای تحریف واقعیت و اغفال مردم سود می‌برند.

زنجانی ضمن تأکید بر لزوم آگاهی دادن به مردم، راه برون‌رفت از مشکلات جامعه را رشد ملی می‌داند. او معتقد است که رشد ملی بدون آگاه شدن مردم امکان‌پذیر نیست. رشد ملی به آگاهی نسل جوان از حقایق اسلام پیراسته از اوهام و توجه دادن آنان به تعلیمات عالیه قرآن وابسته است. همین امر توانسته در زمانی کوتاه انقلابی همه‌جانبه در افکار، عقاید، آداب و سنن، اخلاق و عادات اجتماعی و اقتصادی جوامع بشری به وجود آورد (موسوی زنجانی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۷). از نظر زنجانی مشارکت در سرنوشت خود و جامعه جزو حقوق اساسی هر انسان مسلمان متعهد است؛ اما لازمه ایفاد و احقاق این حق آگاه شدن از آن حق است؛ یعنی قیام به مطالبه حق، فرع آگاهی از حق است (همان،

ص ۳۴۶).

یکی از مشکلات اساسی در جامعه ایران تسلسل بین هرج و مرج و دیکتاتوری است. زنجانی علت اصلی چنین رفتاری در ایران را فقدان آگاهی می‌داند. او معتقد است: چون قیام به مطالبه حق، فرع آگاهی از حق است، لازم به نظر رسید قسمت‌هایی از حقوق انسان را مدلل و مستخرج از کتاب و سنت در چند ماده به اطلاع برادران ایمانی خود برسانم، شاید تحرکی ایجاد شود و از این همه نابسامانی‌ها و دست‌گردان شدن از هرج و مرج به دیکتاتوری و از دیکتاتوری به هرج و مرج - که ملت ایران قرن‌ها بدان مبتلا هستند - رهایی یابد (همان، ۳۶۵). قانون و مقرراتی که زیربنایش ناآگاهی و تمایلات طبقاتی است و بر نیازمندی‌های روحی و مادی انسان منطبق نیست و در صلاحیت قانونگذار هم دانش و تقوای دینی و سیاسی منظور نشده است، طبعاً به صورت یک امر فرمایشی و تحمیلی درآمده، وجدان بشر از پذیرش آن امتناع می‌ورزد (همان، ص ۱۴۷).

بنابراین بین شورا و آگاهی تلازم وجود دارد و نظام شورایی بدون آگاهی محقق نمی‌شود.

۲-۲. شورا و آزادی

در منظومه تفسیر سیاسی زنجانی بین شورا و آزادی رابطه وسیعی وجود دارد و آزادی از حقوق مسلمة انسان محسوب می‌شود. حریت به معنی وسیع آن - آزادی فکر و آزادی بیان و قلم و آزادی در عمل - نه تنها یکی از حقوق مسلم انسان، بلکه از مشخصات و از حدود موجودیت نوع انسان است. ریشه اصلی آزادی، امتیازات و خصایصی است که انسان در اصل تکوین بدان آراسته شده. با اندک مطالعه در نیروهای درونی، همچون ادراک، قدرت، تحلیل و ترکیب مطالب و نیز اختیار و اراده که در وجود انسان هست، روشن می‌شود که غرض از آفرینش انسان این است که به کمک این نیروها استعدادهای نهفته خود را هویدا ساخته، خویشتن را به سرحد کمال برساند، نه آنکه مانند جمادات در فعل و انفعال و حرکت و سکون، همه‌جا مقهور عوامل خارجی شود یا مانند گیاهان و جانوران به اطاعت از غرایز خویش مجبور و مسخر گردد (تین: ۴).^۱ جلوگیری از به کار افتادن این قوا، ایجاد مانع برای پیشرفت به سوی کمال است. این کار بر خلاف طبع و فطرت انسان و بر خلاف غرض از خلقت است (موسوی زنجانی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۱).

۱. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»



زنجانی بر اساس قرآن چند عامل را موانع آزادی می‌داند؛ از جمله:
- دعوت اسلام با تجدید مکتب و تعقل و تفکر آغاز شد و ضمن مقابله با تقلید کورکورانه که قرن‌ها سایه شوم آن بر جامعه‌های بشری گسترده شده بود، این بحث را مطرح کرد که «آیا در آنچه پدران درک نکرده و نفهمیده‌اند همچنان از آنها پیروی خواهند کرد؟» (بقره: ۱۷۰).^۱ «و آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوار پیروی است یا آنکه ره به جایی نبرده و خود محتاج به رهبر است؟» (یونس: ۳۵).^۲

- در مکتب اسلام تنها یک نوع تبعیت قابل قبول است، آن هم پیروی جاهل در یک فن از دانشمند و کارشناس مورد اعتماد آن فن. این امر یک امر فطری است و نظام اجتماعی نیز متوقف بر آن است؛ «اگر چیزی را نمی‌دانید از اهل فن بپرسید» (نحل: ۴۳).^۳

- در پهنه تاریخ دو گروه در سلب آزادی مردم نقش اساسی ایفا کردند و فقدان آزادی با اتحاد حاکمان و عالم‌نماها صورت گرفته است؛ چون حاکمان مستبد به توجیه دینی عملکردشان به احبار و رهبان نیازمند بودند. به همین دلیل قرآن کریم به توییخ این دو گروه پرداخته است. قرآن ملوک جبار و روحانیون ریاکار را که سرمنشأ انحطاط جامعه‌های بشری بودند و با هدف مشترک دست به دست همدیگر داده، شاهراه انسانیت را بسان سنگ خارا سد می‌نمودند، معرفی کرده و درباره زمامداران چنین فرمود: «ملوک به هر کشوری پا نهند کار آن سرزمین را به تباهی رسانده و آزادگان را به ذلت اسارات می‌کشاند و روش آنها همین است» (نمل: ۲۴).^۴ «مگر این مایه سرافرازی بود که چند صباحی در دربار تو به حکم اجبار به سر بردم و اینک آن را بر من منت می‌نهی؛ تو که

شیرکاء علماء انانی و مطالعات فریبگی

۱. «أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْءًا وَلَا يَهْتَدُونَ».

۲. «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى».

۳. «فَسْتَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ».

۴. «قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَآءَ أَهْلِهَا آذْلَةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ»؛ البته

جمله «كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» در ذیل آیه، متمم گفته ملکه سبا نیست، چراکه سخن درباره پادشاهان جبار به طور وافی به مقصود ادا شده و احتیاج به متمم ندارد، بلکه این جمله استینافی و تقریر و تصدیق گفته ملکه سبا از جانب حق تعالی است.

ملت من، قوم اسرائیل را به بندگی خود کشاندی و آزادی آنها را سلب نمودی» (شعر):
۱. (۲۲).

قرآن کاهنان سالوس و ریاکار را چنین رسوا ساخت: «بیشتری از روحانیون و زاهدنمایان، مال مردم را به هدر و مفت می‌خورند و آنها را از سلوک در راه خدا باز می‌دارند» (توبه: ۳۴).^۲

این دو گروه، به منظور استعباد و استثمار بندگان خداوند با تحکم هرچه تمام‌تر به بسط و اشاعه خرافات در میان مردم پرداخته، جوامع بشری را در تاریکی جهل و گمراهی سرگردان می‌ساختند، تا به سهولت و بدون برخورد به مقاومت، به ترک‌تازی و یغماگری خود ادامه بدهند؛ چه‌اینکه استبداد در محیط نادانی و بی‌خبری رشد می‌کند و مادام که فکر بشر تسخیر نشده باشد و مردم به سبک‌مغزی کشاند نشده باشند، هرگز به استعباد تن نمی‌دهند (موسوی زنجانی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۸)؛ «فرعون ابتدا ملت خود را سبک‌مغز ساخته، سپس به اطاعت کورکورانه از او پرداختند» (زخرف: ۵۴).^۳

- یکی دیگر از عوامل سلب آزادی که می‌توان آن را آزادی مثبت نامید، عدم تربیت صحیح اسلامی است. این عامل موجب می‌شود انسان از دست‌یابی به رفعت روح و عزت نفس محروم گردد و به جایگاه رفیع انسانی خود نایل نشود و در مسئولیت‌های فردی و اجتماعی بی‌اراده شود. زنجانی ضمن تأکید بر آزادی بیان و قلم، استفاده از این دو موهبت الهی را تربیت صحیح اسلامی می‌داند. اسلام علاوه بر آزادی نطق و بیان، آزادی قلم را نیز در این ردیف قرار داده و از حقوق مسلم به شمار آورده است؛ چه‌اینکه هر دو متمم آزادی فکر بوده، از ضروریات حیات اجتماعی و تعاونی بشر هستند. آفریدگار جهان آنها را از مواهب اختصاصی نوع انسان شمرده و با تعلیم این دو هنر بر بندگان خود منت نهاده است؛ «خدای بخشنده انسان را آفرید و بدو سخن گفتن آموخت» (الرحمن: ۳-۴)؛^۴ «و

۱. «وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ».

۲. «إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَ الرَّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ».

۳. «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ».

۴. «خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ».



سوگند به قلم و آنچه می‌نویسد» (قلم: ۱)؛^۱ «و بخوان خدای بخشایشگر تو همان است که نوشتن را به انسان تعلیم کرده است» (علق: ۳-۴).^۲

با این دو وسیله، تفاهم بین افراد بشر برقرار می‌شود و افراد از مقاصد همدیگر مطلع می‌گردند و اندیشه‌هایشان را متقابلاً در معرض بحث و انتقاد می‌نهند. از اصطکاک افکار، حقیقت روشن می‌شود و نور علم و معرفت تا افق دوردست می‌تابد. بنابراین نباید فکر کسی را خفه کرد و یا زبان دیگری را فروبست و یا قلم کسی را در هم شکست، بلکه باید با تربیت صحیح طبع، آزادمنشی افراد را پرورش داد، به رشد رساند؛ آنگاه خود آنان راه استفاده از این مواهب را پیدا خواهند کرد. آزادی واقعی همانا رفعت روح و عزت نفس و رها ساختن خویش از بند اسارت شهوات حیوانی و از بند استعباد و استبداد دیگری است. مقاومت و پیروزی در این دو جبهه داخلی و خارجی که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یکی را جهاد اکبر و دیگری را جهاد اصغر نامیده است، جز با سلاح قاطع عزم و اراده میسر نمی‌شود. بنابراین تقویت نیروی اراده افراد، یکی از هدف‌های تربیتی اسلام است. قرآن مجید به شکست و محرومیتی که از ناحیه ضعف اراده نصیب اولین انسان شد اشاره و به همگان اعلام خطر کرده است؛ «همانا پیش از این به آدم ابوالبشر توصیه کردیم و او سفارش ما را در خصوص شجره منهیه فراموش کرد و عزم او را در انجام تعهد استوار نیافتیم» (طه: ۱۱۵).^۳

بنابراین یکی از عناصر مهم در نظریه شورا، آزادی است. با فقدان آزادی طرح حکومت شورایی امری عبث و بی‌محتوا خواهد بود. انسان باید با آگاهی کامل و آزادی تام در کرسی شورایی بنشیند، در غیر این صورت نظریه شورا امکان تحقق واقعی ندارد.

۲-۳. حکومت شورایی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و افکار عمومی

توجه به افکار عمومی در جامعه یکی از مؤلفه‌های اساسی سیاستگذاری دولتی است. هر حکومتی که بر اساس عقل و منطق به طراحی استراتژی‌های خود می‌پردازد، ملزم به توجه به افکار عمومی است. عدم توجه به افکار عمومی موجب شکاف دولت و ملت در

۱. «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ».

۲. «أَفْرَأَ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ».

۳. «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا».

داخل و انزوای جامعه در نظام بین‌الملل می‌شود. به همین دلیل مسئله جلب افکار عمومی و ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی مهم‌ترین دغدغه دولت‌ها است (رک: فولر، ۱۳۷۳). حتی قدرت‌های بزرگی مانند امریکا نیز بدون جلب افکار عمومی و تشکیل ائتلاف نمی‌توانند به اهداف خود نائل شوند.

با تأمل در حکومت پیامبر ﷺ که الگوی مسلمانان است، احترام و توجه ویژه به افکار عمومی را می‌توان یافت. ایشان در موضوعاتی که به وسیله وحی و نصّ قاطع، حکم آن معین شده است، اعم از عبادات و معاملات توقیفی، چه برای خود و چه دیگران، حق مداخله و اظهار نظر قائل نبود و این دسته از احکام بدون چون و چرا باتمام حدود مقرر اجرا می‌شد و تخلف از آن کفر به خدا بود؛ «و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکافرون» (مائده: ۴۴). در مقابل، در موضوعات مربوط به کار و زندگی، اگر جنبه فردی داشت و امری مباح و مشروع بود، افراد استقلال رأی و آزادی عمل داشتند و کسی حق مداخله در کارهای خصوصی دیگری را نداشت و هرگاه امری مربوط به جامعه بود، حق اظهار نظر برای همه محفوظ بود. با اینکه پیامبر ﷺ در تشخیص مصالح امور بر همگان برتری داشت، هرگز به طور تحکم و استبداد رأی رفتار نمی‌کرد و به افکار مردم بی‌اعتنا نبود. ایشان نظر مشورتی دیگران را مورد مطالعه و توجه قرار می‌داد و می‌خواست مسلمین، این سنت را نصب العین قرار دهند.

پیامبر در جنگ بدر سه بار اصحاب خود را به مشاوره دعوت کرد و فرمود: نظر خودتان را ابراز کنید. اولین بار درباره اینکه آیا به جنگ با قریش اقدام کنند و یا آنان را به حال خود ترک کرده، به مدینه مراجعت کنند. در این مورد همگی جنگ را ترجیح دادند و سپس ایشان تصویب کرد (ابن هشام، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۵۳). دومین بار درباره محل اردوگاه مشورت کردند که نظر حباب بن منذر مورد تأیید واقع شد. سومین بار درباره اینکه با اسرای جنگ چه رفتاری بشود، مشورت کردند. بعضی کشتن آنان را ترجیح دادند و برخی تصویب کردند که آنان را در مقابل فدیة آزاد کنند. رسول اکرم با گروه دوم موافقت کرد (مقریزی، ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۷۴، ۷۸ و ۹۷).

در جنگ احد، روش مبارزه را در معرض شور قرار داد که در شهر بمانند و به استحکامات دفاعی بپردازند، یا بیرون از شهر اردو بزنند و جلوی هجوم دشمن را بگیرند که شق دوم تصویب شد (ابن هشام، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۷). در غزوه تبوک که امپراطور روم از نزدیک شدن مجاهدان اسلام به سرحد سوریه به هراس افتاده بود و چون به لشکر خود



اعتماد نداشت به جنگ اقدام نمی‌کرد، رسول اکرم به مشورت پرداخت که آیا پیشروی کنند و یا به مدینه برگردند که بنا بر پیشنهاد اصحاب، مراجعت را ترجیح داد (مقریزی، ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۴۶۳).

همه مسلمانان به عصمت و مصونیت پیامبر ﷺ از خطا و گناه ایمان داشتند و عمل او را سزاوار اعتراض نمی‌دانستند؛ ولی در عین حال، رسول اکرم انتقاد اشخاص را، اگرچه بی‌مورد، با سعه صدر قبول می‌کرد و مردم را در تنگنای خفقان و اختناق نمی‌گذاشت و با کمال ملایمت با جواب قانع‌کننده، منتقد را به اشتباه خود واقف می‌کرد. او به این اصل طبیعی اذعان داشت که آفریدگار جهان، وسیله فکر کردن و سنجیدن و انتقاد را به همه انسان‌ها عنایت کرده است و مختص به صاحبان نفوذ و قدرت نیست؛ بنابراین حق سخن گفتن و خرده گرفتن را نمی‌توان از مردم سلب کرد. خداوند دستور داده است که هرگاه زمامداران، کاری بر خلاف قانون عدل مرتکب شدند، مردم در مقام انکار و اعتراض برآیند (موسوی زنجانی، ۱۳۹۴، ص ۹۸).

رسول اکرم با این روش، عدل و رحمت را به هم آمیخته بود و راه و رسم حکومت را به فرمانروایان دنیا می‌آموخت، تا بدانند که منزلت آنان در جوامع بشری مقام و مرتبه پدر مهربان و خردمند است، نه مرتبه آقا و مالک‌الرقاب. آنان باید همه‌جا اصلاح امر زیردستان را در نظر بگیرند، نه اینکه هوس‌های خودشان را بر آنان تحمیل کنند. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

من به رعایت مصلحت مردم از خود آنان نسبت به خودشان اولی و شایسته‌ترم و قرآن مقام و منزلت مرا چنین معرفی کرده است «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» (احزاب: ۶). پس هر کس از شما از دنیا برود، چنانچه مالی از خود به جا گذارد، آن متعلق به ورثه او است و هرگاه وامی داشته باشد و یا خانواده مستمند و بی‌پناهی از او بازمانده باشد، دین او بر ذمه من و سرپرستی و کفالت خانواده‌اش به عهده من است (بخاری، ۲۰۰۲م، ج ۳، ص ۱۱۸).

۲-۴. شورا و عدالت اجتماعی

در جامعه استبدادزده ایران، عدالت از خواسته‌های اصلی مردم محسوب می‌شد. در آستانه بیداری ایرانیان که منجر به انقلاب مشروطه شد، در خواست اولیه مردم و نخبگان تأسیس عدالت‌خانه و جلوگیری از ظلم و بی‌عدالتی بود. بعد از مشروطه، جامعه ایران در تحت تأثیر مکتب مارکسیسم قرار گرفت که در آن مسئله عدالت پررنگ‌ترین مفهوم و در عین حال جذاب‌ترین ایده برای مردم ستمدیده جهان و ایران بود. زنجانی با توجه به

شرایط فوق در طراحی نظام سیاسی مطلوب با تأکید بر قرآن در صدد است عدالت از دیدگاه قرآن را در مقابل عدالت در مکتب مارکسیسم و لیبرالیسم طراحی کند؛ لذا او معتقد است در نظام اسلام پایه حکومت (با قطع نظر از شخص حاکم و متصدی امر) در درجه اول بر چهار اصل استوار است: الف) عدل اجتماعی؛ ب) مساوات در برابر قانون؛ ج) مسئولیت مشترک؛ د) شورا (موسوی زنجانی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۴).

ایشان سپس رابطه این مؤلفه‌ها با حکومت شورایی را بررسی می‌کند:

هدف عالی اسلام احیای روح اخوت انسانی و تعاون بین همه افراد و ملل و از میان بردن تشمت و اختلافاتی است که در طول تاریخ بشر پدید آمده و توازن را در همه شئون زندگی به هم زده است. در نتیجه این عدم توازن حساب قوی و ضعیف و غنی و فقیر و شریف و وضعی، با فواصل زیاد از همدیگر جدا شده و ابنا نوع بشر را به جان یکدیگر انداخته است. البته این همه اختلاف نه با وحدت اصل انسان سازگار بوده و نه با فلسفه وجود او تطبیق می‌کند و نه فرصت رشد و تکامل به کسی می‌دهد؛ لذا ایجاد یک نوع امنیت عمومی و صلح جهانی که در سایه آن همه افراد، فرصت به فعلیت رساندن استعدادهای خود و رسیدن به کمال مادی و معنوی را به دست آورند، ضروری است (همان، ۱۹۵).

زنجانی سپس به تفسیر آیات قرآن در این موضوع می‌پردازد. به نظر او قرآن مجید هدف شرایع آسمانی را در درجه اول اشاعه عدل اجتماعی در میان مردم جهان معرفی کرده است و برای استقرار آن علاوه بر تبلیغ، دعوت، ارشاد و هدایت، توسل به قدرت اسلحه را نیز جایز می‌داند؛

همانا پیامبران خود را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازوی عدل نازل کردیم، تا مردم جهان به عدالت گرایند و آهن را که در سختی و کارزار مفید بوده و هم منافع دیگر در بردارد، برای حفظ عدالت آفریدیم (حدید: ۲۵).^۱

نکته بسیار مهم در مورد عدالت از نظر اسلام این است که عدالت به معنای تساوی افراد نیست، بلکه هرکسی بر اساس لیاقت و استعداد و صلاحیت باید از حقوق برخوردار باشد. اساساً جعل حقوق، بدون توجه به تفاوت اشخاص در معنویات و ملکات و ارزش عمل و میزان و فعالیت اشخاص، نارسا است و حکم به تساوی مطلق، در بیشتر موارد

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ».



مخالف با عدالت است (موسوی زنجانی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۶).

زنجانی عدالت اجتماعی را چنین تعریف می‌کند:

مقصود از عدالت اجتماعی آن است که هرگونه حقی، برای هرکس و یا هرصنف با رعایت جهاتی (استعداد، صلاحیت، وظایف افراد، ارزش عمل و میزان فعالیت اشخاص) معین گردد می‌باید بدون کم و کسر به صاحب حق ادا شود (همان).

به نظر ایشان صلح جهانی بدون عدالت غیرقابل تحقق است:

برای حفظ صلح جهانی و زندگانی مسالمت‌آمیز در عالم که این همه سر و صدا در اطراف آن راه انداخته‌اند، جز اجرای همه‌جانبه عدالت در میان دولت‌های بزرگ و کوچک، قوی و ضعیف و ملل پیشرفته و عقب‌افتاده - به نحوی که اسلام از قرن‌ها پیش از پیدایش سازمان ملل و منشور آن پیش‌بینی کرده است - راه دیگری متصور نیست (همان، ص ۱۹۷).

در حکومت شورایی همه در برابر قانون مساوی هستند. در نظر اسلام همه افراد در مقابل قانون یکسان بوده، مقررات پاداش و کیفر باید بدون تبعیض درباره همه اجرا شود و عنوان «ما فوق قانون» یا هیچ نوع امتیاز دیگری، برای احدی شناخته نشده است. اسلام کسی را برتر از دیگری نمی‌داند و شخصیت مجرم و موقعیت اجتماعی او - هرچند زمامدار و رئیس مملکت باشد - مورد توجه واقع نمی‌شود. در قصاص، نفس در مقابل نفس و چشم در برابر چشم است (مائه: ۴۵).^۱ رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: مردم همگی مانند دندان‌های شانه مساوی و یکسان‌اند.^۲ در هر جامعه‌ای که زمامداران و منتقدان در دستگاه حکومت، نقض قانون را یک نوع شخصیت می‌پندارند، با دست خود سیطره و ابهت آن را درهم شکسته، مهابت قانون را در نظر توده مردم از بین می‌برند. بنابراین مردم عادی نیز به وسیله رشوه دادن و یا توصیه گرفتن و امثال آن، راه حيله و فرار از چنگ قانون را در پیش می‌گیرند؛ در نتیجه حس احترام به مقررات از میان می‌رود، نظام اجتماع از هم می‌پاشد و انضباط تبدیل به هرج و مرج گشته، همه را به ورطه سقوط می‌کشاند. به همین دلیل هر نوع تبعیض در اجرای مجازات از نظر اسلام محکوم و ممنوع است؛

آیا برخی از احکام خدا که در کتاب خود آورده است گردن نهاده و از برخی دیگر سر باز می‌زنید؟ کیفر این کردار شما جز این نیست که در دنیا به خواری و ذلت و در آخرت به

۱. «أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ».

۲. «النَّاسُ سَوَاسِيَةٌ كَأَسْنَانِ الْمَشْطِ».

سخت‌ترین عذاب گرفتار شوید» (بقره: ۱۵).^۱

زنجانی در توضیح منظومه نظام مطلوب سیاسی قرآن به اصل تضامن و مسئولیت مشترک تأکید می‌کند. اسلام برای جلوگیری از گسترش فساد در جامعه این اصول را طراحی کرده است. گفتنی است که با توجه به این حقیقت که افراد جزء لاینفک اجتماع بوده، آثار اعمالشان از نیک و بد و سود و زیان، متوجه جامعه نیز می‌گردد، در نظر اسلام، هر فردی متقابلاً مسئول کردار خود و دیگران شناخته شده است. بنابراین مترقی‌ترین نظام، نظامی است که مردم حراست اصول و نظارت بر حسن جریان قانون را خودشان عهده‌دار گردند؛ «شما بهترین امت‌ها هستید که مردم را به نیکی می‌خوانید و از بدی نهی می‌نمایید» (آل عمران: ۱۱۰).^۲ بدین معنی که هر فرد موظف است هر جا امری مخالف با قانون و رفتاری منحرف از اصول مشاهده کرد، از آن جلوگیری کند و از هر کس قصوری در انجام وظیفه دید، او را به ادای تکلیف خود وادار کند (موسوی زنجانی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۱).

زنجانی برای جلوگیری از هرج و مرج در حوزه امر به معروف و نهی از منکر با تأکید بر حضور همگانی، نهادسازی را توصیه می‌کند:

البته مسئولیت مشترک به معنی آن نیست که بدون انضباط همه کس در هر کاری مداخله نموده و موجبات هرج و مرج و اختلال نظم فراهم کند، بلکه بدان معنی است که برای رفع مسئولیت مشترک از خودشان، سازمان‌هایی به وجود بیاورند که در آن، کارهای مربوط به صلاح جامعه برحسب درایت و کفایت اشخاص تقسیم و اداره شود و چرخ‌های اجتماع با هماهنگی در سیر رشد و ترقی به گردش درآید و همه افراد از آن پشتیبانی کرده و مراقب حسن جریان کار آنها باشند (همان، ص ۲۰۳).

۲-۵. نظام مطلوب سیاسی و حقوق بشر

تفسیرهای زنجانی از قرآن با توجه به معضلات جامعه شکل می‌گرفت و یکی از این معضلات و موضوعات در سطح نظام بین‌الملل و جامعه ایران موضوع حقوق بشر بود. ایشان با عرضه اصول سی‌گانه حقوق بشر به قرآن ۲۳ اصل آن را مورد تأیید قرآن دانست

۱. «أَفْتُونُونِ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ».

۲. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

(همو، ۱۳۸۶، ص ۳۴۵، ۳۶۰).

انسان، بی هیچ قید و شرطی، موضوع احکام و دستورهای وارد در قرآن است و در همه موارد کلمه «ناس» به معنی مردم به کار رفته است.^۱ خطاب قرآنی در آیات، بدون توجه به دین، نژاد، زبان، رنگ و موقعیت‌های اجتماعی است و صرفاً انسان بودن را ملاک کرامت انسانی می‌داند؛ لذا ماده اول حقوق بشر مورد تأیید قرآن است. ماده یکم) همه افراد بشر عضو خانواده بزرگ انسانی و دارای احترام و حقوق متقابل هستند؛

و ما فرزندان آدم را به راستی گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌ها) حمل کردیم و از پاکیزه‌ها به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از کسانی که آفریدیم برتری دادیم (آن هم) برتری ویژه‌ای و همه آنها از موهبت خرد و جان برخوردارند (اسراء: ۷۰).^۲ خدا شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد، در حالی که هیچ چیز درک نمی‌کردید و برای شما چشم و گوش و خرد قرار داد، شاید شکر این نعمت‌ها را به جای آورید (نحل: ۷۸).^۳ و همه انسان‌ها از ندای وجدان بهره‌مندند (قیامت: ۱۴-۱۵).^۴

ماده ششم) هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه بازداشت یا زندانی یا تبعید نمود. زنجانی با استناد به آیات متعدد، از جمله آیه زیر، بر کرامت ذاتی انسان بدون توجه به رنگ، نژاد و دین و مذهب تأکید می‌کند: آنان که مردان و زنان با ایمان را بی هیچ تقصیری می‌آزارند، آشکارا مرتکب گناه می‌شوند (احزاب: ۵۸).^۵ زنجانی در مورد حقوق اقلیت‌های دینی در جامعه اسلامی که در ماده چهاردهم حقوق



۱. برای نمونه رک: بقره: ۱۴۳، رعد: ۶، بقره: ۲۴۳، نساء: ۵۸، ص: ۲۶، بقره: ۱۸۸، شوری: ۴۲، اعراف: ۸۵، مطفین: ۲-۱، بقره: ۸۳، آل عمران: ۱۳۴، لقمان: ۱۸، رعد: ۱۷، نساء: ۱۱۴.
۲. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا».
۳. «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ».

۴. «بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ»

۵. «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا».

بشر آمده است، به آیات متعددی از قرآن که به همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر ادیان تأکید دارد، استناد می‌کند. همچنین یهودیان و مسیحیان و زرتشتیانی که در کشورهای اسلامی در حمایت جامعه مسلمین به سر می‌برند، از حقوق انسانی و همزیستی مسالمت‌آمیز در حدود شرایط ذمه برخوردار خواهند بود و در احوال شخصیه و حل و فصل اختلافات خودشان حق مراجعه به قضات و روحانیان مذاهب خود دارند و می‌توانند مراسم و آداب مذهبی خودشان را به صورت انفرادی و به صورت دسته‌جمعی در معابدشان برگزار کنند: خدا شما را از (دوستی با) کسانی که در دین با شما کشتار نکرده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که به آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت - و فراتر از آن - بورزید. خدا بی‌گمان دادگران را دوست می‌دارد (ممتحنه: ۸).^۱

از این رو، نباید آنان را به ترک دین خودشان مجبور کرد؛^۲ چراکه ایمان، یک عمل قلبی است و اکراه بردار نیست و تا کسی چیزی را باور نکند، نمی‌تواند به آن معتقد شود (موسوی زنجانی، ۱۳۹۴، ص ۳۷۴).

زنجانی در طول زندگانی خود از طلایه‌داران وحدت انسانی، ادیانی و اسلامی بود. او در کنفرانس‌های متعددی در خارج از ایران شرکت کرد و به همزیستی مسالمت‌آمیز اعتقاد راسخ داشت.

۳. نظام نامطلوب سیاسی در قرآن

نظام سیاسی اگر فاقد معیارهایی باشد که در نظام سیاسی مطلوب مطرح شد، نظام سیاسی نامطلوب است. در قرآن حکومت فرعون نماد نظام سیاسی نامطلوب است: همانا فرعون گردنکش و از ستمکاران بود (دخان: ۳۱).^۳

زنجانی شاخصه‌های دهگانه نظام نامطلوب سیاسی در قرآن را این‌گونه بیان کرده است:

الف) حاکم مستبد مردم را به بردگی کشانده و آزادی را از آنان سلب می‌کند: قوم

۱. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».

۲. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶).

۳. «فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ».



موسی و هارون بندگی ما می کنند (مؤمنون: ۴۷).^۱ (و موسی گفت) بنی اسرائیل را بنده خود کرده‌ای، مگر این هم نعمتی است که منت آن را بر من می‌نهی (شعرا: ۲۲).^۲

(ب) فرصت ارشاد و انتقاد به کسی نمی‌دهد، بدین سبب کارهای زشت خود در نظرش پسندیده می‌آید: به همین طور عمل زشت فرعون در نظرش زیبا می‌نمود (غافر: ۳۷).^۳

(ج) آنچه در امر مملکت به نظرش بیاید را قابل اجرا می‌داند و رأی خود را بدون دلیل، بر آراء دیگران مقدم می‌شمارد:

فرعون گفت: جزء آنکه رأی دادم، رأی دیگری به شما نمی‌دهم [خلاصه اینکه: رأی و نظر، فقط رأی و نظر خودم است] (غافر: ۲۹).^۴

(د) مانع از رشد فکر و نمو اراده گردیده، جامعه را در حال جمود و خمود نگاه می‌دارد و به اطاعت کورکورانه وادار می‌کند: قوم خود را به زبونی و سبک مغزی کشانید، تا هرچه گفت اطاعتش کردند» (زخرف: ۵۴).^۵

(ه) خودخواهی را به حد نهایی رسانده و شخص خود را موجودی مقدس و بالاتر از همه می‌پندارد و اگر فرصت پیدا کند، ادعای خدایی نیز می‌کند و از همگان پرستش و خضوع مطلق توقع می‌نماید: من جز خودم کسی را خدای شما نمی‌دانم (قصص: ۳۸).^۶

(و) در مقابل دعوت حق و منطق عقل از در تهدید و ارباب برآمده، با ایجاد فشار و اختناق، معتقدات قلبی و احساسات باطنی مردم را تابع هوی و هوس خود قرار می‌دهد تا آنجا که اگر کسی بخواهد به خداوند جهان ایمان بیاورد، باید از او اجازه بگیرد! او هرگاه نتواند در عقیده و ایمان مردم رخنه پدید آورد، به زور شلاق و سرنیزه متوسل می‌شود و

پیشگاه علم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال هجدهم / هفتاد و یکم / پیاپی ۳

۱. «قَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ».

۲. «و تِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ».

۳. «و كَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ».

۴. «قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى».

۵. «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ».

۶. «مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي» و همچنین: «لَسِنِ اتَّخَذتَ إِلَهًا غَيْرِي لِأَجْعَلَنَّكَ مِنْ

الْمَسْجُونِينَ» (شعرا: ۲۹).

اگر از تصرف در روح و قلب مخالفان خود مأیوس شود، جسم و پیکرشان را در معرض شکنجه‌های غیرانسانی قرار می‌دهد: گفت: بدو ایمان آوردید پیش از آنکه من به شما اجازه بدهم، پس حتماً دست و پای شما را از چپ و راست قطع می‌کنم و شما را دار می‌زنم (طه: ۷۱).^۱

ز) مخالفان خود را به باد تهمت و ناسزا گرفته، به جاه‌طلبی، اخلاص‌گری و ایجاد فتنه و فساد منتسب می‌کند:

می‌خواهید بساط ما را برچیده، خودتان بر روی زمین حکمفرما بشوید (یونس: ۷۸).^۲
موسی و هارون می‌خواهند با مکر و افسون خود شما را بیرون رانده و روش عالی شما (رژیم) را از میان ببرند» (طه: ۶۳).^۳

ح) در عین حال که با اهل دین و ایمان مبارزه می‌کند، تظاهر به دینداری نموده، خویشان را حامی و طرفدار دیانت قلمداد می‌کند: می‌ترسم دین شما را تغییر داده و یا اینکه بر روی زمین فساد برپا کند (غافر: ۲۶).^۴

همچنین برای درهم‌کوبیدن اصلاح‌طلبان، ریاکارانه خود را مصلح جلوه می‌دهد: من شما را به راهی که بهتر از آن راهی نیست هدایت می‌کنم (غافر: ۲۹).^۵

ط) به پیروی از اصل «جدایی بینداز حکومت کن» فاصله طبقاتی در میان افراد ملت ایجاد می‌کند: فرعون در آن سرزمین گردنکشی آغاز کرد و میان مردم آن تفرقه انداخت (قصص: ۴).^۶

ی) ثروت مملکت را مال شخصی خود حساب کرده، هر گونه تصرف را در آن جایز

۱. «قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ آيَدِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَ لَأَصْلَبَنَّنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ».

۲. «وَ تَكُونُ لَكُمْ أَلْيَبَاءُ فِي الْأَرْضِ».

۳. «يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَ يُذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَى».

۴. «إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ».

۵. «وَ مَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ».

۶. «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ».



می‌شمارد: آیا مگر سرزمین مصر از آن من نیست و این نهرها از کاخ من جاری نمی‌شود؟
(زخرف: ۵۱).^۱

در منطق حاکم طاغی و مستبد، هر نوع عمل متضاد و گفتار متناقض، مجاز و همه کارهای زشت، پسندیده است. چنین حاکمی نه از درون وجود خود رادع و مانعی دارد و نه از خارج به کسی اجازه انتقاد و اندرز می‌دهد؛ به همین دلیل طغیان را تا سر حد جنون رسانده، عالمی را به تباهی می‌کشاند. گفتنی است که استبداد دینی نیز مانند استبداد سیاسی از نظر اسلام محکوم و مطرود است و اسلام به هیچکس اجازه نمی‌دهد که اوها و هوس‌های خود را منتسب به خداوند نموده، در قالب دین به مردم تحمیل کند (رک: موسوی زنجانی، ۱۳۹۴)؛ هر آنچه که به زبانتان آمد به دروغ به خدا نسبت ندهید و نگویید این حلال است و آن یکی حرام و به خدا افترا نبندید (نحل: ۱۱۶).^۲

از جمله شاخصه‌های نظام نامطلوب سیاسی، پرونده‌سازی برای مردم است. در حکومت نبوی و علوی برای افراد پرونده‌سازی نمی‌شد:

عدل علوی اجازه نمی‌دهد برای مردم پرونده‌سازی شود و هرکس که با این ملجم تماس گرفته و با او آشنایی یا از وی پذیرایی نموده است، تحت تعقیب و مجازات قرار بگیرد؛ این است گوشه‌ای از زندگی و زمامداری مرد تاریخ و جانشین به حق رسول خدا (موسوی زنجانی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۳).

از نظر زنجانی، نفوذ افراد فرصت‌طلب در مناصب سیاسی - اجتماعی، کنار گذاشتن افراد متخصص و کاردان از حوزه تصمیم‌گیری و اجرایی و دخالت نظامیان در عرصه‌های قضایی، سیاسی و اقتصادی از مهم‌ترین شاخصه‌های نظام نامطلوب سیاسی است (همان، ص ۳۳۴).

نتیجه

از نظر زنجانی محتوای شاخصه‌های نظام مطلوب و نامطلوب سیاسی در قرآن مطرح شده است؛ اما شکل و ساختار آن پویا است و بر اساس تغییر زمان و مکان تغییر می‌کند.

۱. «لَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي».

۲. «وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتَكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ».

نظام مطلوب سیاسی در قرآن به صورت شورایی مطرح شده که در جامعه امروزی در نظام پارلمانی قابل تحقق است. نظریه حکومت شورایی با مفاهیم مهمی از جمله آزادی، آگاهی بخشی به مردم، عدالت، توجه به افکار عمومی و حقوق بشر محقق می‌شود. در مقابل، نظام نامطلوب سیاسی در قرآن با ده ویژگی که نماد آن حکومت فرعون است، مطرح شده است. ویژگی‌های جامعه نامطلوب سیاسی عبارت‌اند از: پرونده‌سازی، تهمت و افتراء به مخالفان، و نفوذ افراد غیر صالح در حکومت.



منابع

۱. ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۷۴ق)، تهذیب سیره ابن هشام، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. بخاری، محمد بن اسماعیل البخاری ابو عبدالله (۲۰۰۲ م)، صحیح بخاری، بیروت: دار ابن کثیر.
۳. خان محمدی، یوسف (۱۳۹۲)، «مصاحبه با آیت الله سید موسی زنجانی، در مورد سید ابوالفضل زنجانی»، محل دسترسی: کتابخانه دانشگاه مفید قم.
۴. _____، (۱۳۹۳ الف)، «مصاحبه با آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی در مورد سید ابوالفضل زنجانی»، محل دسترسی: کتابخانه دانشگاه مفید قم.
۵. _____، (۱۳۹۳ ب)، «مصاحبه با آیت الله اسداله بیات در مورد سید ابوالفضل زنجانی»، محل دسترسی: کتابخانه دانشگاه مفید قم.
۶. _____، (۱۳۹۳ ج)، «مصاحبه با مرحوم آیت الله شیخ محمد تقی خاتمی»، محل دسترسی: کتابخانه دانشگاه مفید قم.
۷. _____، (۱۳۹۳ د)، تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر، ج ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. زنجانی، علامه شیخ موسی (۱۳۸۰)، الفهرست لمشاهیر و علماء زنجان، مصحح سید حسین جعفری، قم: آل عبا.
۹. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۳۹۳)، جرعه‌ای از دریا، ج ۳، قم: مؤسسه شیعه شناسی.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۴۱)، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران: انتشار.
۱۱. فولر، گراهام (۱۳۷۳)، قبله عالم؛ ژئوپلتیک ایران، مترجم عباس مخبر، تهران: مرکز.
۱۲. ماهنامه مهرنامه (۱۳۹۲)، سال چهارم، شماره ۳۱، مهر.
۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵ الف)، نامه‌ها و ناگفته‌ها، به کوشش شورای نظارت بر نشر آثار، ج ۲، تهران: صدرا.
۱۴. _____، (۱۳۸۵ اب)، مجموعه آثار، ج ۲۵، تهران: صدرا.
۱۵. معصومی همدانی، حسین (۱۳۷۷)، «سرگذشت اندیشه‌ها»، نشر دانش، س ۱۱، ش ۴.
۱۶. مقریزی، احمد بن علی (۱۹۹۹ م)؛ امتاع الاسماع للنبی ﷺ من الانباء والاموال والحفدة والمتاع؛ بیروت: دارا کتاب العلمیه.



-
۱۷. موسوی زنجانی، سید ابوالفضل (۱۳۸۶)، *یادگاری ماندگار*، به کوشش جعفر پژوم (سعیدی)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۸. _____، (۱۳۹۴)، *حقوق بشر و نظام اجتماعی در اسلام*، به کوشش سید هادی خسروشاهی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

